



Journal of Iranian Studies

(Jis)



DOI: <https://jcl.ut.ac.ir/10.22059/jis.2022.331981.1044>

Revising the Early History of Persian Gulf based on the Role of Elamite Confederation

Hamidreza Peighambari^{1✉} | Leila Makvandi²

1. Corresponding Author; Assistant Professor of the History Department, Persian Gulf University, Bushehr, Iran. Email: peighambarih@pgu.ac.ir
2. Assistant Professor, Archeology Department, Kashan University, Kashan, Iran. Email: makvandi.l@kashnu.ac.ir

Article Info

Paper Research:
Research Article

Received:
8 October 2021

Accepted:
21 August 2022

Keywords:
History of Persian Gulf, Sea trade, Elam, Mesopotamia, Susa, Liyan.

Abstract

The Early history of the Persian Gulf is focused on the substantial political and economic role of Mesopotamia and its relations with Dilmun (Bahrain), Magan (Oman) and Meluhha (Indus valley). Therefore, the role of Elamites and the other people from Northern coasts of the Persian Gulf has remained obscure and unclear. One of the unanswered questions is about the maritime activities of these people. The present article is an attempt to answer this question, and in order to determine the role of the “Elamite Confederation” in Persian Gulf trade, it emphasizes on the necessity of revising the common understanding through the use of historical analysis and archaeological data. This research indicates that Mesopotamian sources reflect only a part of the history of “Lower Sea” (Persian Gulf), which mainly refers to their commerce with the southern coasts. But the scattered information about the eastern places in the same sources and the archaeological data based on the analysis of minerals and objects made of semi-precious stones such as lapis lazuli and Chlorite, indicate the importance of those lands. The waterway for exchange of these resources and commodities, which passed through Susa and the coasts of Fars (Anshan), especially Liyan (Bushehr), like the land routes, were influenced by the political rivalries and enmity of Elam and Mesopotamia, but was very prosperous in several periods of time. Some of these periods were the Sukkalmah and Shutrukid dynasties, in which Elamite relationship extended to Bahrain and Oman. Thus, in spite of strong political and economic relations between Mesopotamia and southern coasts of “Lower Sea”, power dynamics in the region frequently changed in favor of Elamites and with this knowledge, we can now say that the gainful Sea trade has not been always in the hands of Mesopotamia, as Mesopotamian sources inculcate.

How To Cite

Peighambari, Hamidreza; Makvandi, Leila (2022). Revising the Early History of Persian Gulf based on the Role of Elamite Confederation. *Iranian Studies*, 12 (1), 151-168.

Publisher

University of Tehran Press.





بازنگری تاریخ اولیه خلیج فارس با تأکید بر نقش اتحادیه عیلامی

حمیدرضا پیغمبری^۱ | لیلا مکوندی^۲

۱. نویسنده مسئول؛ استادیار گروه تاریخ، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. رایانامه: peighambarih@pgu.ac.ir
۲. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ اولیه خلیج فارس در پژوهش‌های علمی کنونی بر نقش محوری سیاسی و اقتصادی میان‌رودان و مناسبات آن با دیلمون (بحرین) و مگن (عمان) و ملوخته (دره سند) متمرکز است؛ از این رو جایگاه عیلامیان و سایر ساکنان کرانه‌های شمالی در خلیج فارس مبهم و نامشخص مانده است. پرسشی اساسی که به ذهن می‌رسد این است که مردمان مذکور چه نقشی در فعالیت‌های دریایی ایفا می‌کردند. مقاله پیش رو تلاشی برای پاسخ دادن به این پرسش است و در آن به منظور مشخص کردن نقش «اتحادیه عیلام» در بازرگانی خلیج فارس، بر ضرورت بازنگری در برداشت‌های رایج، از رهگذر بهره‌گیری از تحلیل‌های تاریخی و یافته‌های باستان‌شناختی تأکید شده است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که منابع میان‌رودانی فقط منعکس‌کننده بخشی از تاریخ خلیج فارس هستند که عمدتاً بر فعالیت‌های بازرگانی خود آن‌ها از طریق کرانه‌های جنوبی دریا دلالت دارد. با وجود این، اطلاعات پراکنده‌ای که درباره نام‌جاهای شرقی از لابه‌لای همین منابع به دست می‌آید و یافته‌های باستان‌شناختی مبتنی بر تجزیه و تحلیل مواد معدنی و اشیای ساخته‌شده از سنگ‌های نیمه‌قیمتی چون لاجورد و سنگ صابون، به خوبی اهمیت نواحی جنوبی و شرقی ایران را نشان می‌دهد. راه‌های آبی مبادلات این منابع و کالاها که از شوش و کرانه‌های فارس (انسان)، به ویژه لیان (بوشهر)، گذر می‌کرد، همچون راه‌های زمینی تحت تأثیر رقابت‌ها و دشمنی سیاسی عیلام و میان‌رودان بوده، ولی در برهه‌هایی بسیار رونق داشته است. برخی از این برهه‌ها با سلسله‌های سوکل‌مخ‌ها و شوتروکی‌ها انطباق دارد که دامنه روابط عیلامیان به بحرین و عمان گسترش یافته بود؛ بنابراین با وجود ارتباطات قوی سیاسی و اقتصادی قدرت‌های میان‌رودانی با کرانه‌های جنوبی «دریای پایین»، دسته‌بندی قدرت منطقه در این مقاطع به سود عیلامیان تغییر یافت و اکنون می‌توان با اطمینان گفت که بازرگانی پرسود دریا نیز آن‌چنان که منابع میان‌رودانی القا می‌کنند، همواره در انحصار میان‌رودان نبوده است.
تاریخ دریافت: ۱۶ مهر ۱۴۰۰	
تاریخ انتشار: ۲۵ مهر ۱۴۰۱	
کلیدواژه‌ها: تاریخ خلیج فارس، تجارت دریایی، عیلام، میان‌رودان، شوش، لیان.	
استناد	پیغمبری، حمیدرضا؛ مکوندی، لیلا (۱۴۰۱). بازنگری تاریخ اولیه خلیج فارس با تأکید بر نقش اتحادیه عیلامی. <i>پژوهش‌های ایران‌شناسی</i> ، ۱۲ (۱)، ۱۶۸-۱۵۱.
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

در حال حاضر و پس از گذشت بیش از یکصد سال از کاوش‌های باستان‌شناختی در کرانه‌های شمالی و جنوبی خلیج فارس، شناختی نسبی از تاریخ تمدن‌های باستانی این منطقه حاصل شده‌است. جزئیاتی از تاریخ سیاسی نواحی پیرامون خلیج فارس در هزاره‌های سوم تا اول پیش از میلاد و فعالیت‌های اقتصادی در آن نیز در متن‌های میان‌رودانی ثبت شده‌است. این متون، اطلاعاتی پراکنده ولی نسبتاً غنی دربارهٔ سکونتگاه‌ها و روابط اقتصادی و حتی سیاسی در منطقهٔ خلیج فارس در اختیار می‌گذارند، اما اشارهٔ چندانی به عیلامیان نمی‌کنند. گویی که عیلام فقط سرزمین مرتفعی محصور در خشکی است که نقشی در دریا ایفا نمی‌کند. به تبع آن، پژوهشگران «آشورشناسی» نیز چون از تاریخ خلیج فارس در دوران باستان سخن می‌گویند - از نخستین تحقیق تخصصی در این زمینه نوشتهٔ اوپنهایم (۱۹۵۴: ۱۷۶) تا جدیدترین اثر کلی از لاورسن و اشتاینکلر (۲۰۱۷) - جایگاه قابل توجهی برای عیلام در این زمینه قائل نمی‌شوند. همچنین در هیچ‌یک از کتاب‌های تاریخ و باستان‌شناسی عیلام، مبحث کاملی به موضوع ارتباط این تمدن با دریا اختصاص نیافته‌است. در واقع نقش‌آفرین نبودن عیلامیان در خلیج فارس برای برخی محققان همچون یک واقعیت پذیرفته شده‌است. لمبرگ - کارلفسکی (۱۹۷۲: ۲۲۸) درخصوص بی‌علاقگی و غیبت عیلامیان در بازرگانی دریا، به ناشناخته بودن بندر در کرانه‌های ایرانی خلیج فارس اشاره می‌کند. هوگمان (۱۹۸۴: ۱۳۳-۱۴۷) نیز چنین مطرح کرده‌است که پیش از داریوش یکم هخامنشی، ارتباط معناداری میان عیلام (کرانه‌های شمالی خلیج فارس) و دریا وجود نداشته‌است. آنچه به این نظرات اشکال وارد می‌کند، این است که - چنان که خواهیم گفت - «اتحادیهٔ عیلام» پهنهٔ وسیعی از نواحی کرانه‌ای و پس‌کرانه‌ای شمال خلیج فارس را شامل می‌شده‌است. از آن گذشته، کرانه‌های شمالی خلیج فارس نسبت به کرانه‌های جنوبی، به سبب وجود پاره‌ای از اشکال صخره‌ای و وضع مناسب‌تر پس‌کرانه‌ها، بالقوه امکان بیشتری در اختیار ساحل‌نشینان قرار می‌دهد و برای کرانه‌نوردی از دهانهٔ خلیج فارس تا سند مناسب‌تر است (یاسی، ۱۳۵۰: ۷۶؛ تیموتی پاتس، ۱۹۹۴: ۳۸). تاریخ مفصل کشتی‌رانی و دریانوردی بندرهای ایرانی خلیج فارس از دورهٔ هخامنشی به بعد، گواهی بر این مدعاست (برای جدیدترین تحقیقات کلی دربارهٔ تاریخ بندرها و دریانوردی در ایران، نک: وثوقی و صفت‌گل، ۱۳۹۵). شایان ذکر است نوشته‌هایی دربارهٔ تاریخ اولیهٔ خلیج فارس به زبان فارسی نوشته شده، اما غالب آن‌ها کلی‌گویی و گردآوری مطالب بر پایهٔ تحقیقات قدیمی یا کلی مانند تاریخ خلیج فارس اثر آرنولد ویلسون (۱۳۱۰) یا باستان‌شناسی عیلام اثر دنیل پاتس (۱۳۸۵) هستند. متأسفانه این‌گونه نوشته‌ها بر دانش ما نمی‌افزایند و مشکلی را در این زمینه حل نمی‌کنند. در این خصوص، پرسش‌های اساسی وجود دارد که نیازمند بررسی است. اینکه چرا منابع مکتوب عیلامی اشاره‌ای به دریا ندارند و منابع میان‌رودانی نیز نامی از عیلام و بندرهای آن نمی‌برند؟ آیا با توجه به ساختار و معیشت عشایری و

کوچ‌نشینانی بخش بزرگی از ساکنان فلات و پویایی کشاورزی در شوشان و حوزه رود کر، می‌توان فرض را بر این گذاشت که آن‌ها نیازی به ورود به مخاطرات دریایی نداشتند؟ چنین فرضی البته مسئله مهم دیگری به‌جز همسایگی دریا را نادیده می‌گیرد: اهمیت تجارت پرسود دریا، فرضی که در اینجا مطرح می‌شود عبارت است از تأثیرپذیری جریان‌ها و جابه‌جایی مسیرهای بازرگانی منطقه خلیج فارس در نتیجه رقابت‌های سیاسی - اقتصادی عیلام و میان‌رودان. مسئله یادشده تا کنون موضوع تحقیق مستقلی نبوده‌است و مقاله حاضر که به روش پژوهش تاریخی انجام شده، با نگاهی در زمانی و با تحلیل اسناد و مدارک تاریخی در کنار جدیدترین مدارک باستان‌شناختی، این موضوع را بررسی می‌کند.

۲. تاریخ اولیه خلیج فارس؛ ملاحظات مقدماتی

تاریخ خلیج فارس پیش از دوره هخامنشی که می‌توان آغاز آن را نخستین اشاره‌ها در متون سومری به «دریای پایین»^۱ در زمان سلسله‌های قدیم سومری (۲۶۰۰-۲۳۵۰ ق.م) در نظر گرفت، دورانی طولانی و پر فراز و نشیب را در بر می‌گیرد. منابع این دوره را اطلاعات و گزارش‌های پراکنده‌ای از متون میخی میان‌رودانی با مضامین ادبی (مانند متن «انکی و نظم جهان» و «انکی و نینخورسگ») و اقتصادی (مانند بایگانی‌های اور ۳) و سیاسی، به‌ویژه کتیبه‌های شاهی (RIM)^۲ تشکیل می‌دهند. طبق متون یادشده، دریای پایین، پهنه آبی وسیعی مرکب از خلیج فارس و دریای عمان تا حدود سند بوده و سرزمین‌های مرتبط با آن مانند دیلمون (بحرین) و مگن/مکن (عمان و بلوچستان) و ملوخته (دره سند) با آمیزه‌ای از ثروت و ویژگی‌های اسطوره‌ای شناخته می‌شوند (هایمپل، ۱۹۸۷: ۲۲-۹۱). این متون نشان می‌دهند که مبادله محصولات دریایی چون مروارید و کالاهای سرزمین‌های یادشده شامل سنگ، مس، طلا، اشیای زینتی، چوب و حیوانات اهمیت و رونق فراوان داشته‌است (اوپنهایم، ۱۹۵۴: ۱۳؛ لمبرگ - کارلفسکی، ۱۹۷۲: ۲۲۲-۲۲۹؛ لیمنز، ۱۹۶۰). این کالاهای هم مواد عادی مصرفی و هم «کالاهای شأن‌زا» را شامل می‌شد که دسترسی به آن‌ها برای شهرهای بزرگ میان‌رودان اهمیت داشت.

یافته‌ها و تحلیل‌های باستان‌شناسی، ارتباط بازرگانی میان دولت‌های میان‌رودان با این سرزمین‌ها را تأیید می‌کنند. اساساً محققان بر این نظرند که روی آوردن ساکنان میان‌رودان به

۱. «دریای پایین» در برابر «دریای بالا» (مدیترانه)، اصطلاحی است که ساکنان میان‌رودان برای خلیج فارس و دریای عمان تا حدود رود سند به‌کار می‌بردند (هایمپل، ۱۹۸۷: ۲۲-۹۱).

۲. کتیبه‌های شاهی میان‌رودان (Royal Inscriptions of Mesopotamia: RIM) مجموعه‌ای از کتیبه‌های شاهی است که از سال ۱۹۷۹ به سرپرستی الف. کیرک گریسون و گرت فریم در مجلدات مختلف متناسب با سلسله‌های تاریخی میان‌رودان منتشر می‌شود.

برقراری روابط بازرگانی با سرزمین‌های منطقه خلیج فارس، جایگزین راه‌های سخت و پرهزینه زمینی بوده‌است. حمل‌ونقل و انتقال افراد و اشیا از طریق راه‌های آبی به شهرهای میان‌رودان که در رأس خلیج فارس و حاشیه دجله و فرات واقع شده بودند، آسان‌تر بود (الغازه، ۱۳۹۷: ۷۷-۹۲). چنین به نظر می‌رسد که نیاز مصرفی شهرهای بزرگ میان‌رودان، نقشی اساسی در تکوین بازرگانی سراسر منطقه داشته‌است (کُل، ۱۹۷۸: ۴۷۳)؛ چنان‌که سرزمین‌های پیرامون خلیج فارس همچون محوطه‌های کرمان و بمپور و عمان نیز از جابه‌جایی مسیرهای تجاری و رونق بازرگانی دریایی، به‌ویژه از اواخر هزاره سوم پیش از میلاد بهره‌مند شدند. متقابلاً، این نظر هم وجود دارد که تجارت مواد خام همسایگان کوهستانی میان‌رودان از دوره اوروک (هزاره چهارم پیش از میلاد) نقشی اساسی در شکل‌گیری و توسعه تمدن در میان‌رودان داشته‌است (الغازه، ۱۳۹۷: ۱۳۱-۱۴۱).

عموماً پذیرفته شده که سومر تمدنی رودخانه‌ای بوده و به‌تازگی بر نقش هورها و دهانه خلیج فارس در تمدن سومری تأکید شده‌است (وردربیم، ۲۰۲۰: ۷۸-۷۶). در دوره اوروک که روابط آبی در رودها و کانال‌ها و هورها پرکاربرد و مقدم بر راه کاروانی با استفاده از چهارپایان اهلی بوده، مبادلات بازرگانی به شکل گسترده‌ای میان شوشان و میان‌رودان وجود داشته (الغازه، ۱۳۹۷: ۷۷-۹۲) و ارتباطاتی نیز حتی پیش از آن از دوره عبید (هزاره پنجم پیش از میلاد) بین میان‌رودان و خلیج فارس در جریان بوده‌است (کارتز، ۲۰۱۲). با این حال، طبق مدارک مکتوب و مادی، سومریان تازه در اوایل هزاره سوم پیش از میلاد به ارتباط مؤثر با سرزمین‌های دریایی روی آوردند. این جابه‌جایی با اختلالات پیش‌آمده در راه‌های خشکی در زاگرس و انحصاری شدن بازرگانی شرق به دست آغازعیلامی‌ها (الدن، ۱۹۸۲: ۶۲۴) مرتبط دانسته شده‌است. با اینکه برخی محققان با نقش دشمنان شرقی در این جابه‌جایی هم‌نظر نیستند (تیموتی پاتس، ۱۹۹۴: ۸۵-۸۲)، با دقت در تاریخ رویارویی‌های رخ‌داده شکی باقی نمی‌ماند که دسترسی به منابع سرزمین‌های شرقی همواره دغدغه‌ای مهم برای ساکنان میان‌رودان بوده‌است. این‌گونه دشمنی‌ها که در دوران تاریخی با وضوح بیشتری به چشم می‌خورند (هیتس، ۱۳۸۸: ۶۰)، این فرض را تأیید می‌کنند که رقابت‌های شدید سیاسی در جابه‌جایی، افول یا رونق مسیرهای مختلف مبادلاتی، نقش مهمی ایفا کرده‌است. در اواخر هزاره سوم پیش از میلاد نخستین امپراتوری‌های منطقه‌ای یعنی اکد (حدود ۲۳۳۴-۲۱۵۴ ق.م) و سلسله سوم اور (حدود ۲۱۱۲-۲۰۰۴ ق.م) به وجود می‌آیند که هر دو آن‌ها توجه خاصی به بازرگانی دریایی پایین دارند. اکدی‌ها تلاش داشتند از منافع اقتصادی غرب آسیا از آناتولی تا دره سند بهره‌مند شوند؛ هرچند که بخش اعظم آن را از راه کسب «غنیمت» و نه بازرگانی کسب می‌کردند. پادشاهان سلسله سوم اور هم که در جنوب میان‌رودان حاکمیت داشتند، به بهره‌گیری از اقتصاد دریایی پایین سخت علاقه‌مند بودند، ولی غالباً روش‌های دیپلماتیک را در سیاست خود در پیش می‌گرفتند. ظاهراً خط‌مشی پادشاهان این سلسله‌ها در مجموع به تقویت

جریان بازرگانی در این محدوده انجامید (دیلز، ۱۹۷۷: ۷۸۶۷؛ فاستر، ۱۹۹۳: ۶۸-۵۹). بخش مهمی از متون بایگانی‌های دورهٔ اور ۳ هم ارتباطات لاگاش / گپرسو با عیلام (غالباً شوش و ادمدون و سبوم) را نشان می‌دهند. تحقیقات لاورسن و اشتاینکلر (۲۰۱۷: ۶۰) به خوبی نشان داده‌است که به‌طور کلی در دورهٔ اور ۳ رابطهٔ بازرگانی میان جنوب میان‌رودان و خلیج فارس به شکلی نامعمول، پویا بوده‌است. درمقابل، عیلام با توجه به موقعیت جغرافیایی متفاوتی که نسبت به جنوب میان‌رودان داشت، به اندازهٔ سومر برای تأمین منابع به دریا وابسته نبود. نواحی کوهستانی فلات ایران و نواحی حاشیهٔ خلیج فارس، از مراکز عمدهٔ تأمین مواد خام بودند و به‌طور کلی نقش مهمی در تأمین «کالاهای تجملی» میان‌رودان داشتند (لمبرگ - کارلسکی، ۲۰۱۲: ۵۵۹-۷۸). حتی برخی، سرزمین ایران را چیزی چون «الدورادی سومریان» وصف کرده‌اند (موری، ۱۳۸۹: ۳۸-۶۱). تحلیل‌ها نیز نشان می‌دهد که اقتصاد عیلام بسیار به این جریان مبادلاتی وابسته بوده‌است (دومپروشچی، ۲۰۰۳: ۳۶)؛ بنابراین ممکن است حتی عیلامیان به سبب آنکه راه‌های دریایی، منافع آن‌ها را در تجارت زمینی تهدید می‌کرد با آن مخالف بوده‌اند: یک متن سومری که سرزمین‌های دریایی و کالاهایشان را برمی‌شمارد، به صورت بسیار روشن از مخالفت عیلامیان با بازرگانی دریا سخن می‌گوید: «انکی و نظم جهان». آلستر (۱۹۸۳: ۵۲) این متن را به دورهٔ نوزایی سومر و کتیبه‌های گوده‌آ (۲۱۴۴-۲۱۲۴ ق.م) پادشاه لاگاش کاملاً منطبق می‌داند. مدرک حاضر تأییدکنندهٔ این دیدگاه لمبرگ - کارلسکی (۱۹۷۲: ۲۲۸) است که سومریان با برقراری فعالیت‌های بازرگانی از طریق دریا قصد داشتند عیلام را دور بزنند؛ از این رو تفاخر پادشاهانی چون سارگن یکم (۲۳۳۴-۲۲۷۹ ق.م)، بنیان‌گذار امپراتوری اکد و گوده‌آ و اورنمو (۲۰۴۷-۲۰۳۰ ق.م) بنیان‌گذار سلسلهٔ سوم اور، به لنگر گرفتن کشتی‌های مگن و ملوخته در بنادر میان‌رودان در کنار گزارش‌های مبتنی بر ویرانی و غارت و کسب غنیمت از شهرهای مرتبط با دریا چون بشیمه و «شهرهای آن سوی دریا» را نباید فقط گزاره‌گویی‌های بی‌اهمیت تلقی کرد (پاتس، ۱۳۸۵: ۲۱۶). این لشکرکشی‌ها را با تمام شک‌ها و ابهاماتی که درخصوص موانع و مشکلات لجستیکی آن‌ها وجود دارد، ضرورت‌های اقتصادی ایجاب می‌کرد. حتی واپسین پادشاهان بزرگ میان‌رودان در هزارهٔ اول پیش از میلاد چون سارگن دوم (۷۲۲-۷۰۵ ق.م) و آشور بانی‌پال (۶۶۸-۶۲۵ ق.م) نیز که درگیر جنگ‌های وسیعی در شرق و غرب قلمرو خود بودند، از جنبهٔ تبلیغی سنت اشاره به اعمال حاکمیت و باج‌ستانی از سرزمین‌های منطقهٔ خلیج فارس غافل نبودند (فرام، ۲۰۱۷: ۳۱۷-۲۹۹).

با آنچه گفته شد، درخصوص منابع موجود که همگی جزو منابع اداری و رسمی دولت‌های میان‌رودانی هستند، نیازی جدی به توجه به نوع نگرش و همچنین اهداف و اغراض سیاسی ساکنان میان‌رودان هست (تیموتی پاتس، ۱۹۹۴: ۸۷-۸۹)؛ از این رو، از قلم افتادن عیلام در زنجیرهٔ روابط بازرگانی ساکنان میان‌رودان با سرزمین‌های پیرامون دریای پایین، می‌تواند تا حدی ناشی از واقعیاتی سیاسی

باشد که دو طرف را مایل یا مجبور به استفاده از دو مسیر خشکی و دریا یا مسیر کرانه‌های شمالی و جنوبی کرده بود. همچنین از آنجا که روشن شد منبعی عیلامی در این زمینه وجود ندارد و نیز تکیه بر منابع میان‌رودانی می‌تواند گمراه‌کننده باشد، به منظور پرهیز از «استنتاج بر پایه سکوت منابع»، از تحلیل‌های جغرافیایی تاریخ و مدارک باستان‌شناختی کمک می‌گیریم.

۳. کالاهای شرقی و اتحادیه عیلامی

متون ادبی مانند متن «انکی و نظم جهان» و «انکی و نینخورسگ» هیچ کالایی را به عیلام نسبت نمی‌دهند؛ آن‌ها از لاجورد و عقیق، طلا و نقره ملوخته، چوب و مس و قلع مگن و دیلمون، سنگ مرخشی سخن می‌گویند (ورددریم، ۲۰۲۰: ۸۰). نظر غالب محققان این است که کالاهای «کوهستان‌های شرقی» یعنی بدخشان و خراسان و کرمان، از راه سند یا بلوچستان به عمان و بحرین در خلیج فارس و از آنجا به میان‌رودان می‌رسید (برای مرور کلی نک: عبدی، ۱۳۷۰: ۲۶-۳۷)، اما بی‌شک گروهی از کالاهای سرزمین‌های «آن سوی عیلام» از راه کرانه‌های شمالی خلیج فارس و شوش به میان‌رودان فرستاده می‌شد. مدارک باستان‌شناسی نشان می‌دهند که شوش و نواحی مختلف فلات ایران از طریق مسیر جنوبی کوهستانی و به واسطه کوچ‌نشینان و بازرگانان در تماس بودند (نک: اسکالونه، ۱۳۹۴: ۱۴۸-۱۵۵). همچنین سابقاً تصور می‌شد که فلزاتی چون مس و قلع در شوش و سومر از منابع مختلف، به‌خصوص از راه سند و عمان، تأمین می‌شد، ولی امروزه منابع آن‌ها را نواحی مرکزی ایران می‌دانند (کرافورد، ۲۰۱۲: ۴۵۴). ظاهراً قیر فارس و خوزستان هم به روشی مشابه به بحرین فرستاده می‌شد (پاتس، ۲۰۰۹). به‌جز این‌ها کالاهایی را می‌بینیم که عمدتاً در شوشان تولید و به میان‌رودان صادر می‌شدند. شاید مهم‌ترین این کالاها انواع غله و به‌ویژه کنجد بود که متون بسیاری از انتقال آن خبر می‌دهند (مایکاوا، ۱۳۹۹: ۵۴-۸۲). چوب هم کالای دیگری بود که از کوهپایه‌های زاگرس، به‌خصوص ادمدون (تپه سرخگان شوشتر؟)، وارد می‌شد. چند متن مخصوصاً از دوره اور ۳ از گیرسو/ لاگاش اشاره به چوبی می‌کنند که با قایق از عیلام (ادمدون) برای کشتی‌سازی آورده شده‌است (همان: ۵۸؛ سلز، ۱۹۹۱: ۲۷-۴۳).

در اینجا ضروری است به موقعیت و ساختار جغرافیایی عیلام نیز اشاره شود. عیلام از نظر ساکنان میان‌رودان تقریباً با کل سرزمین ایران برابر بود (والا، ۱۳۷۶: ۱۹۰). اصطلاح عیلام در منابع به شکل یک ائتلاف یا اتحادیه مرکب از اقوام و سرزمین‌های گوناگون جلوه‌گر می‌شود (هینتس، ۱۳۸۸: ۵۹) که به نظر می‌رسد شکل‌گیری آن پاسخی به سیاست توسعه‌طلبانه دولت‌های میان‌رودانی بوده‌است

(استولپر، ۱۳۸۹: ۵۹). پیر آمیه (۱۹۸۶ ب: ۱۷۱-۲۰۷) این اتحادیه را مرکب از عیلامیان و «فراعیلامیان»^۱ می‌خواند و برای آن مدارکی باستان‌شناختی ارائه می‌دهد. او به‌ویژه با توجه به اشیای مشابهی چون ظروف سنگی سبک «میان‌فرهنگی»^۲ متعلق به نیمه دوم هزاره سوم تا اوایل هزاره دوم پیش از میلاد از «روابط درون‌ایرانی» از جنوب‌شرق ایران تا بلخ سخن می‌گوید. چه با اصطلاح «فراعیلامی» امیه برای سرزمین‌های شرقی، با تمام دلالت‌های فرهنگی و سیاسی آن، موافق باشیم و چه مسئله را فقط بحث شباهت‌های هنری ناشی از ارتباطات قوی در نظر بگیریم (بیتمن، ۱۳۸۴: ۱۰)، این واقعیت انکارکردنی نیست که در کنار مبادلات پررونق اقتصادی، غالب این سرزمین‌ها از نظر سیاسی متحد عیلام بودند. حتی هنگام لشکرکشی‌های پادشاهان میان‌رودان، به نظر می‌رسد سرزمین‌های دیگری «در اطراف دریا» نیز به این اتحادیه می‌پیوستند. در گزارش جنگ منیشوتسو پادشاه اکد (حدود ۲۲۷۰-۲۲۵۵ ق.م) با حاکمان شهرهای (uru/ālum) پیرامون دریای پایین، به طور ضمنی سخن از اتحاد آن‌ها در میان است (فراین، ۱۹۹۳: ۷۶). کتیبه مهمی از اورنمو مینی بر بازگرداندن کشتی‌های مگن به لاگاش/گیرسو، اشاره‌ای معماگونه به آزاد کردن بازرگانان از چنگ «ناخدای بزرگ دریا» دارد (همان، ۱۹۹۷: ۴۷-۴۸). هریت کرافورد (۲۰۱۲: ۴۵۷) احتمال داده‌است که این متن اشاره‌ای به دزدان دریایی باشد، درحالی‌که ارتباط این پدیده با اتحادیه‌ای که پیش‌تر با پادشاهان اکد جنگیده بودند، اصلاً دور از ذهن نیست. در حال از اشاره‌های دوره به دوره و دسته‌گریخته به برقراری ارتباط با دریا و تأکید بر اهمیت آن در متون سیاسی میان‌رودانی، می‌توان دریافت که ارتباط میان‌رودان و سرزمین‌های دریا، نه آن‌چنان که سابقاً تصور می‌شد محکم و منظم، بلکه ناستوار و مقطعی بوده‌است (وردیپ، ۲۰۲۰: ۸۸).

از سوی دیگر، نظر به ماهیت «اتحادیه عیلامی» و برتری کوچ‌نشینان در واحدهای قومی/سیاسی تشکیل‌دهنده آن (علیزاده، ۱۳۸۷؛ پاتس، ۱۳۸۵: ۲۴۷)، لازم است از تصور یک دولت منسجم عیلامی مشابه اور ۳ که با برنامه اقتصادی حساب‌شده و متمرکز، منابع موجود در فلات ایران را مستقیم تحت نظارت داشته باشد نیز پرهیز کنیم. برای نمونه، مرخشی که از زمان اکد تا بابل قدیم به مدت نزدیک به پانصد سال یکی از مهم‌ترین متحدان عیلام بود، درعین حال از تجارت پررونق

۱. اصطلاح «فرهنگ فراعیلامی» (Trans-Elamite) مورد نظر امیه بر ارتباط و استمرار فرهنگی میان دوره استفاده از خط آغازعیلامی (۳۲۰۰-۲۷۰۰ ق.م) و عیلامی مخطوط (دوره پادشاهی پوزور - اینشوشینک در حدود ۲۱۰۰ ق.م) تکیه دارد (امیه، ۱۹۸۶ الف: ۹۷-۱۰۴). این نظر با توجه به فاصله بیش از پانصد ساله میان آن‌ها مورد تأیید برخی دیگر از پژوهشگران نیست (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۵۷-۱۶۰).

۲. «سبک میان‌فرهنگی» (Intercultural Style) اصطلاحی است که برای اشیای سنگ نرم (کلوریت و سنگ صابون) به کار می‌رود که علاوه بر کرمان، در مناطق وسیعی از تاروت در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس تا بسیاری از محوطه‌های میان‌رودان یافت شده‌است (کُل، ۱۹۷۵: ۱۸-۳۱).

کالای عمدهٔ آن یعنی سنگ مرخوشو یا کلوریت (اشتاینکلر، ۱۹۸۲: ۲۵۱) در خلیج فارس و میان رودان سود می‌برد؛ بنابراین، شاید بهتر باشد بحث رقابت عیلام و میان رودان در خلیج فارس را با بحث مشهور دوره‌های گرایش مهم‌ترین شهر عیلام و پایتخت سیاسی آن یعنی شوش به میان رودان و گسستن از آنجا و پیوستن به فلات (امیه، ۱۳۷۴: ۱۰۷-۹۸) بسنجیم. آنجا که شوش در اختیار دولت‌های میان‌رودانی بود، واردات کالا از شرق به میان‌رودان برقرار بود و چون شوش به قلمرو پادشاهان عیلام بازمی‌گشت، مبادلات قطع می‌شد (تیموتی پاتس، ۱۹۹۴: ۲۸۵) و به مسیرهای دریایی کرانه‌های جنوبی خلیج فارس محدود می‌ماند.

۴. اهمیت شوش در تجارت خلیج فارس

انریکو اسکالونه (۱۳۹۴: ۱۶۶) به نقش بسیار مهم شوش در تبادل و توزیع فرهنگی - تجاری منطقه، به‌ویژه در نیمهٔ دوم هزارهٔ سوم پیش از میلاد اشاره می‌کند: شوش نمایندگی سرزمین‌های فلات ایران را برعهده داشت و همچون «قیفی» عمل می‌کرد که دهانهٔ آن به سوی خلیج فارس بود. این شهر از راه رودهای کارون یا کرخه به رأس خلیج فارس مرتبط می‌شد. چهار مرحلهٔ تجارت شوش در خلیج فارس را به تبعیت از اسکالونه می‌توان چنین تشریح کرد:

مرحلهٔ ۱ (حوالی ۲۴۰۰ تا ۲۲۵۰ ق.م): نخستین ارتباطات دریایی میان‌رودان و شوش با مگن و به‌خصوص ملوخته. مدارک باستان‌شناسی برای نمونه عبارت‌اند از اشیای یافت‌شده از شوش که مربوط به درهٔ سند هستند، مانند مهرهایی با طرح‌های سبک هاراپا و مهره‌های کنده‌کاری‌شده از عقیق (اسکالونه، ۱۳۹۴: ۱۶۶-۱۷۹). ارتباط شوش با عمان هم مبتنی بر مدارکی باستان‌شناسی است، هرچند در حال حاضر دربارهٔ اینکه اشیای ساخته‌شده از سنگ نرم و همچنین مس شوش از عمان وارد شده یا از کرمان، شک هست (پاتس، ۲۰۰۹). مدارک مکتوب، اطلاعات بیشتری در اختیار می‌گذارند: یک متن پیشاسارگنی (RTC 21) به «بازرگانی راه دور کشتی‌های عیلامی»^۱ اشاره دارد. متأسفانه نشانی از این کشتی‌ها در دست نیست، اما متون میان‌رودانی نشان می‌دهند برخی از انواع کشتی‌ها که «کشتی‌های بزرگ»^۲ خوانده می‌شدند، برای مسافت‌های طولانی و کالاهای بیشتر به کار می‌رفتند (لورسن و اشتاینکلر، ۲۰۱۷: ۷۲ و ۱۰۴-۱۰۵).

مرحلهٔ ۲ (حوالی ۲۲۵۰ تا ۲۱۰۰-۲۰۵۰ ق.م): حضور آگد در شوش و خلیج فارس. مدارک باستان‌شناسی نشان می‌دهند که در همین دوره «سیل کالاها» از درهٔ سند و عمان و خلیج فارس

۱. nam-ga-eš8-ak ma2 Elam-ma-ka-kam: البته ممکن است در اینجا هم مانند «کشتی‌های مگن»، اصطلاح

«کشتی‌های عیلامی»، کشتی‌های میان‌رودانی خاص تجارت با این سرزمین را توصیف کند (پاتس، ۲۰۰۹).

۲. «کشتی‌های بزرگ» (ma2 gal-gal) بیشتر در دورهٔ اور ۳ به کار رفته و اطلاعاتی نیز دربارهٔ بازرگانان و خدمهٔ این نوع از

کشتی‌ها در دست است (اشتاینکلر، ۲۰۱۷: ۷۲ و ۱۰۴-۱۰۵).

به شوش جریان داشته‌است و مانعی دیده نمی‌شود (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۸۹-۱۹۰). متنی از لاگاش دوره سارگنی (STTI 63) نیز از کالاهایی نامشخص می‌گوید که به عنوان بخشی از «بازرگانی راه دور با عیلام» به گوئبه آورده شد (لاورسن و اشتاینکلر، ۲۰۱۷: ۷۲).

مرحله ۳ (حوالی ۲۱۰۰-۲۰۵۰ تا ۲۰۰۰ ق.م): ایجاد هسته اولیه دیلمونی و طرف‌های جدید تجاری هم‌زمان با بحران تجارت دریایی سند. براساس متون، شکی نیست که دوره ۳ دوره‌ای پروونق برای بازرگانی شوش بوده‌است. یک دریانورد سومری در شوش، گززی را برای سلامتی شولگی به معبدی هدیه داده‌است (امیه، ۱۳۷۴: ۱۰۵). در متن‌های اور ۳ مکرر به واردات کنجد و الوار از شوشان اشاره شده‌است (مایکاو، ۱۳۹۹: ۵۸-۵۵؛ لاورسن و اشتاینکلر، ۲۰۱۷: ۷۲ و ۱۰۵). در مجموع به نظر می‌رسد شوش بخشی از اقتصاد بازرگانی پویای امپراتوری اور ۳ بوده‌است (مایکاو، ۱۳۹۹: ۵۵-۵۴؛ پاتس، ۲۰۰۹)، اما متن دیگری هست (FAOS 19) که نشان می‌دهد از راه آبی میان شوش و سومر، به‌جز بازرگانی هم استفاده شده‌است. در این متن، روحانی بزرگ شهر درباره حمله یک گروه ششصد نفره عیلامی خبر می‌دهد که پس از غارت شهر لاگاش، در راه بازگشت، اموال از آن‌ها پس گرفته شد (لاورسن و اشتاینکلر، ۲۰۱۷: ۷۲).

مرحله ۴ (حوالی ۲۰۰۰ تا ۱۸۰۰ ق.م): دیلمون (قلعه‌البحرین) و شوش هم‌زمان با رشد مستقل محوطه‌های بلوچستان تبدیل به بازاری واحد برای میان‌رودان می‌شوند. مهرهای فراوان با سبک دیلمونی از شوش، این ارتباط را نشان می‌دهند؛ لوحه‌ای مهم در دست است از آن شخصی دیلمونی از دوره ایسین - لارسا که احتمالاً بازرگانی بوده که به شوش رفت و آمد داشته‌است (امیه، ۱۹۸۶ ب: ۱۴۹-۱۵۰). متن دیگری که نشانه برتری سیاسی عیلام بر غرب خلیج‌فارس است، متنی احتمالاً از دوره کودر نه‌هفته یکم (۱۷۰۰-۱۷۳۰) است (والا، ۱۹۸۳: ۹۶) که به ورود مقادیر معتناهی نقره از جانب دیلمون به شاه شوش اشاره دارد؛ بنابراین ملاحظات، مشخص می‌شود که شوش در ارتباط با خلیج‌فارس و مخصوصاً دیلمون اهمیت بسیاری داشته‌است. حتی چنین به نظر می‌رسد گروهی از دیلمونی‌ها در حوالی شوش سکونت داشته‌اند (لامبر، ۱۹۷۶: ۷۱-۷۲).

۵. سوکل‌مخ‌های انشان و شوش، شوتروکی‌ها و رشد لیان

از حوالی ۱۷۰۰ ق.م متون میان‌رودانی دیگر اشاره چندانی به دریای پایین نمی‌کنند و گویی رونق و شکوفایی بازرگانی آن پایان می‌یابد (لاورسن و اشتاینکلر، ۲۰۱۷: ۶۹). فقط در دوره کاسیان در بابل و نیز اواخر آشور نو اشاراتی پراکنده و جزئی به دریای پایین و سرزمین دیلمون می‌شود. چه توضیحی برای این مسئله وجود دارد؟ در این دوره، مرکز قدرت در میان‌رودان از شهرهای سومری که در نزدیکی خلیج‌فارس واقع شده بودند به مرکز (بابل) و شمال (آشور و نینوا) انتقال یافت و این بر نحوه نگرش منطقه‌ای حاکمان میان‌رودان تأثیر داشت؛ برای نمونه، اینکه مکن و ملوخته در متون آشوری با نواحی‌ای

چون مصر و حبشه اشتباه می‌شوند (عبدی، ۱۳۷۰: ۳۰) چه‌بسا نشان‌دهنده تمرکز آشوریان بر اقتصاد مصر باشد. همچنین می‌دانیم که مس آشور از آسیای صغیر و قبرس تأمین می‌شد (پاتس، ۱۳۹۳: ۵۸).

اما آنچه از نظر خلیج فارس اهمیت دارد این است که بی‌توجهی ساکنان میان‌رودان به خلیج فارس اساساً امکان داشت به برهم خوردن توازن اقتصادی در این حوزه منجر شود یا آنکه بر اثر کاهش منابع و جست‌وجو برای جایگزینی منابع دیگر رخ داده باشد. یکی از مسائلی که با این جریان هم‌زمانی دارد و از دلایل تضعیف فعالیت‌ها در خلیج فارس تلقی می‌شود، عبارت است از افول تمدن‌های شرقی مانند تمدن دره سند و شهر سوخته و محوطه‌های کرمان (اشتاينکلر، ۲۰۱۳: ۴۲۳) که شاید همگی به یک تغییر اقلیمی یا خشکسالی وسیع مرتبط باشد. آنچه محققان تا کنون توجهی بدان نکرده‌اند، هم‌زمانی پایان یافتن چیرگی میان‌رودان با پررنگ شدن حضور عیلامیان در حوزه خلیج فارس است. سوکل‌مخ‌های عیلام یا همان نایب‌السلطنه‌های بزرگ (۱۹۵۰-۱۶۰۰ ق.م) به‌طور کلی فعالیت‌های بازرگانی وسیعی از بلخ تا سوریه برقرار کردند و از وجود مهرهای دیلمونی در شوش و کشف اشیایی چون مهر سیموت ورتش، پادشاه دوره سوکل‌مخ‌ها از بوشهر (لیان)، می‌توان فهمید که این سلسله ارتباط مناسبی با دریا داشته‌است (پاتس، ۱۳۸۵: ۲۸۳).

لیان در این دوره منطقه مهمی است. ارتباط منطقه بوشهر با میان‌رودان از راه دریا کاملاً میسر بوده و دست‌کم در اوایل دوره هخامنشی به خوبی گواهی شده‌است (هنکلمن و یاکوبز، ۲۰۲۱: ۷۲۴-۷۲۵)؛ بنابراین متنی از دوره شولگی که به بازگشت سربازان با کشتی‌های مگن از انشان به سومر اشاره دارد (مایکاو، ۱۳۹۹: ۵۹) نیز می‌تواند به این منطقه دلالت داشته باشد؛ زیرا بوشهر (لیان) مهم‌ترین راه ارتباط زمینی خلیج فارس با مرکز فارس (انشان / ملیان) بوده‌است و کشتی‌های مگن در اینجا کاربرد می‌یافتند نه شوش که خود جزئی از قلمرو اور ۳ بود. پیوند لیان و انشان براساس سفال موسوم به سفال کفتری^۱ در بازه اواخر هزاره سوم تا اوایل هزاره دوم پیش از میلاد تأیید می‌شود (سامنر، ۱۹۸۹: ۱۳۵-۱۶۱). در این زمان انشان یک نیروی سیاسی و نظامی قوی تلقی می‌شود و پادشاهان عیلام خود را پادشاهان انشان و شوش می‌خوانند. از سویی، سفال کفتری در گستره وسیعی از کرانه‌های جنوبی خلیج فارس در شبه جزیره عربستان پراکندگی دارد (پتری و سیدین و عسکری چاوردی، ۲۰۱۷: ۴-۱۲) و با یافت شدن مهرهای عیلام میانه در فیلکه کویت و تل‌البرق امارات (پاتس، ۲۰۰۹)، تعاملات فرهنگی در کل خلیج فارس به خوبی تأیید می‌شود. در این زمان، بی‌شک لیان راه ارتباطی شوش و انشان با دیلمون و مگن بوده‌است: در ملیان و بوشهر و شوش مدارکی از رابطه با بحرین (سفال و مهرهای سبک دیلمون) به دست آمده و برخی اشیاء هم مگنی و سندی هستند (پاتس، ۲۰۰۳: ۱۵۹؛ لاورسن و اشتاینکلر، ۲۰۱۷: ۶۵؛ امیه، ۱۹۸۶: ب: ۲۷۸-۲۸۲). تمام

۱. دوره کفتری در فارس هم‌دوره با عیلام قدیم (اواسط هزاره سوم تا اواسط هزاره دوم پیش از میلاد) است. در این دوره، محوطه ملیان بسیار وسیع شد و به مرکز فرهنگی و سیاسی مهمی در عیلام تبدیل گردید (سامنر، ۱۹۸۹).

این موارد تأییدکننده این فرضیه اسکالونه (۱۵۷:۱۳۹۴) است که ضلع شرقی مثلث فارس - بحرین / فیلکه - شوش، از سواحل فارس عبور می‌کرده‌است.

در میانه هزاره دوم پیش از میلاد نیز حضور عیلامیان در خلیج فارس با وجود اثرگذاری قوی حکومت کاسی بابل در دیلمون قطع نشد. طبق بررسی‌های ذنیل پاتس (۲۰۰۶: ۱۱۹-۱۱۱) اکنون می‌دانیم که کاسیان و عیلامیان از طریق خویشاوندی سببی دودمان‌های شاهی، منافع خود را در غرب و شرق خلیج فارس تقسیم کرده بودند. کاسیان در جایگاه قدرتی میان‌رودانی به صورت سنتی بر دیلمون یعنی مرکز عمده بازرگانی در جنوب خلیج فارس تسلط داشتند، اما یافته‌های باستان‌شناختی نشان می‌دهد که حاکمیت پررنگ کاسیان بابل در بحرین پس از قرن چهاردهم پیش از میلاد خاتمه یافت و به جزیره فیلکه محدود شد (پاتس، ۲۰۰۶: ۱۱۶). همچنین بحث از استمرار چیرگی دولتی محلی موسوم به زمین - دریا^۱ بر جنوب میان‌رودان و دهانه خلیج فارس هم هست (هویلوند، ۱۹۸۹: ۱۴-۹) که پادشاهان کاسی بابل بر این ایالت نیز تسلط یافتند، ولی با شکل‌گیری سلسله نیرومند شوتروکی (۱۲۰۰-۹۷۰ ق.م)، عیلامیان حکومت کاسی بابل را برانداختند و در سراسر عیلام بنای امپراتوری مستحکمی را گذاشتند (استولپر ۱۳۸۹: ۸۴-۸۷). ارتباط این مسائل با اشاره مکرر به لیان و معبد کیریریشه (Kiririša)، ایزدانوی مشهور آن، در کتیبه‌های پادشاهان عیلامی این زمان (پزار، ۱۳۸۴: ۱۱۰-۱۲۹) نشان از تمرکز بیشتر فعالیت‌های عیلامیان در خلیج فارس دارد. تمرکز پادشاهان سلسله شوتروکی در ساخت معبد لیان و اهمیت مکانی آن در ارتباط نزدیک با مراکز دریایی کرانه‌های جنوبی خلیج فارس، می‌تواند یافته‌های حائز اهمیت دیلمون در این زمان را توضیح دهد: از جمله مدارکی باستان‌شناختی که این واقعیت را تأیید می‌کند، تأثیرات فرهنگی عیلام در شیوه‌های ساخت بنا و وجود اسلحه‌های مفرغی و ظروف سفالی دسته‌دار با لوله در محوطه‌های عصر آهن بحرین و جنوب شرقی عربستان است (پاتس، ۱۳۹۳: ۶۶-۶۷).

۶. رقابت عیلام نو و آشور در دهانه خلیج فارس

بسیار جالب توجه است که عیلام نو با وجود آنکه از نظر سیاسی شهرت دوره‌های پیشین را نداشته و بخش بزرگی از تاریخ آن هم در تاریکی و ابهام قرار دارد، در این زمان حتی بیش از دوره‌های قبل در جنوب میان‌رودان نقش‌آفرینی می‌کند. عمده این نقش‌آفرینی براساس متون آشوری بر سر منطقه بیت یا کین (Bīt Yakīn) رخ داده که در منتهی‌الیه جنوب میان‌رودان واقع شده و به‌طور کلی نقطه مهمی در ارتباطات دریایی، به‌ویژه با دیلمون، بوده‌است (هویلوند، ۱۹۸۹: ۱۴-۹). در اینجا مرواخ

۱. سلسله زمین - دریا (Sealand dynasty)، پادشاهان محلی در جنوب میان‌رودان بودند که در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد یک‌چند بر نواحی جنوب میان‌رودان حاکمیت داشتند (هویلوند، ۱۹۸۹: ۱۴-۹).

بالادان کلدانی در جنگ‌هایش با سارگون دوم (۷۲۲-۷۰۵ ق.م) بسیار متکی به کمک عیلامیان عمل کرد و سرانجام هم به عیلام پناهنده شد (استولپر، ۱۳۸۹: ۹۴). اندکی بعد، سناخریب آشوری از طریق آب‌های دهانهٔ خلیج فارس با کمک ناوگانی که عمدتاً فینیقی‌ها در آن نقش داشتند، حملاتی به نواحی کرانه‌ای عیلام کرد، ولی عیلام هم در خشکی دست به حملات متقابل زد. نکتهٔ مهم این است که در این زمان، جبههٔ عیلامی را اتحادیه‌ای از مردم شرق تشکیل می‌داد (برای نمونه، نبرد خلوله در سال ۶۹۱ ق.م: گریسون و نواتنی، ۲۰۱۲: ۱۸۲).

عیلامیان پس از آن هم مکرر تلاش کردند تا بیت یاکین را متصرف شوند و دست از ادعایشان بر این سرزمین برنداشتند (برای جزئیات نک: واترز، ۱۳۹۱: ۱۴۳-۱۴۴). سرانجام آشور بانی‌پال فرد مطیعی بر آنجا گماشت و در این جبهه نیز موفق شد. چنان‌که مشهور است، این پادشاه لشکرکشی‌های بزرگی بر ضد عیلام انجام داد و شوش را تصرف و ویران کرد (۴۴۵ ق.م). نقش‌آفرینی عیلامیان در دهانهٔ خلیج فارس با سقوط شوش و پس از آن با حاکمیت دولت بابل نو بر دیلمون پایان یافت.

نکتهٔ بسیار قابل توجه اینجاست که نام‌های اوپری (Uperi) و اهودری یا هوندرو (Ahundari/Hundaru)، پادشاهان دیلمون، که به نشان تبعیت برای سارگون دوم و آشور بانی‌پال هدایایی فرستادند، عیلامی است (زادوک، ۱۹۸۴: ۱۳ و ۱۶). پاتس (۲۰۰۶: ۱۱۹) می‌پرسد آیا این نام‌ها بازتابی متأخر از پیوند خویشاوندی کاسیان بابل و عیلامیان هستند؟ به نظر می‌رسد نیازی به بحث نقش‌آفرینی کاسیان که صدها سال از سقوطشان گذشته بود در این زمان نباشد: در این مورد هم بیش از همه باید به پیوند نزدیک بحرین و سرزمین ایران در تاریخ توجه کرد (فرام، ۲۰۱۷: ۳۰۲) و نظریاتی که نقش گروه‌های قومی دیگر در دیلمون را انکار کرده‌اند (هویلودن، ۱۹۹۳: ۷-۱) بی‌درنگ رد می‌شود. همچنین عیلامی بودن این نام‌ها با عیلامی بودن برخی از پادشاهان پیشین زمین - دریا طبق نظر زادوک (۱۹۸۷: ۲۵) نیز بسیار تأمل‌برانگیز و جالب توجه است. از این گذشته، ارتباط عیلام و دیلمون شکل فرهنگی نیز داشته و این را می‌توان از نام خدای دیلمون یعنی انزک یا انشک دریافت که نام او را از اوایل هزارهٔ دوم پیش از میلاد در میان خدایان عیلامی در شوش می‌بینیم. به نظر فرانسوا والا (۱۹۸۳: ۹۳) ممکن است این نام یکی از القاب اینشوشینک، خدای اعظم شوش، باشد.

۷. نتیجه

تاریخ اولیهٔ کرانه‌های شمالی خلیج فارس با وجود اطلاعات جسته‌گریختهٔ منابع مکتوب و مدارک باستان‌شناختی، تا حدی در روشنایی تاریخ قرار دارد. این بخش از «اتحادیهٔ عیلامی» که از ویژگی جغرافیایی ممتازی نسبت به سواحل جنوبی بهره می‌برد، با وجود بی‌توجهی محققان معاصر، مرکز فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی مرتبط با دریا بوده‌است. «کالاهای شرقی» از فلات ایران یا نواحی دورتر، به ترتیب تاریخی، از طریق مهاجرنشین‌های اوروک (اواخر هزارهٔ چهارم) و آغاز عیلامی‌ها

(اوایل هزاره سوم) و فراعیلومی‌ها (تا اوایل هزاره دوم) دست به دست شده و به میان‌رودان می‌رسید. مدارک تاریخی و باستان‌شناسی نشان می‌دهند که از اوایل هزاره سوم پیش از میلاد این مبادلات از راه دریا (خلیج فارس) هم انجام می‌شده‌است.

برقراری بازرگانی دریایی که با وجود برخی نوسانات (مثلاً در اوایل هزاره دوم پیش از میلاد در نتیجه تحولات اقلیمی و همچنین جابه‌جایی مرکز قدرت در میان‌رودان از جنوب به شمال) رونق شهرها و سرزمین‌های منطقه خلیج فارس را در پی داشت، رقابت و دشمنی دیرینه عیلام و میان‌رودان را به این عرصه نیز کشاند. پادشاهان میان‌رودان، به‌ویژه در دوره آگد و دوره آشور نو، از نظر سیاسی همچون نیرویی قوی و مسلط عمل می‌کردند و ادعای مطیع کردن پادشاهان آن نواحی را داشتند. عیلامیان نیز نه‌تنها در کرانه‌های شمالی، بلکه در مناطقی چون عمان و بحرین هم حضور داشته‌اند و به همین سبب است که اتحادیه دشمنان شرقی از نظر پادشاهان جهانگیر میان‌رودان، علاوه بر بخش‌های مختلف عیلام و سرزمین مرخشی (کرمان)، شامل «شهرهای پیرامون دریا» نیز می‌شد.

جریانی که در منابع میان‌رودانی در زمینه بازرگانی دریایی خلیج فارس منعکس شده، عبارت است از زنجیره‌ای از مراکز بازرگانی و پایانه‌های تبادل کالا که کشتی‌رانی را به موازات سواحل جنوبی خلیج فارس میسر می‌کرد. با این وصف، می‌توان دریافت که عیلامیان و سایر ساکنان کرانه‌های شمالی، موافق فعالیت‌های انحصاری ساکنان میان‌رودان و شریک‌های تجاری‌شان نبوده‌اند. در عین حال، تحلیل‌ها نشان می‌دهد آن‌ها خود در تبادلات اقتصادی مرتبط با دریا منفعل نبوده‌اند. شوش، مرکزی بسیار مهم بین راه‌های کاروان‌روی فلات ایران و راه‌های آبی خلیج فارس بود که هم به سادگی از طریق دهانه قدیم خلیج فارس با جنوب میان‌رودان مرتبط می‌شد و هم امکان ارتباط با مراکز چون دیلمون را داشت. شوش در زمان‌های حاکمیت امپراتوری‌های میان‌رودانی، به‌ویژه اور ۳ که روابطی پویا در خلیج فارس برقرار کرد، در جایگاه پایانه‌ای مهم، ایفای نقش می‌کرد. مدارک دیگر نشان می‌دهد یک مرکز عمده عیلامی دیگر نیز در جنوب فارس (انشان) موقعیت بندری داشته‌است: لیان (بوشهر). عیلامیان از راه این دو پایانه مهم، پس از دوره پروتو بازرگانی میان‌رودان در «دریای پایین» (اوایل هزاره دوم پیش از میلاد)، تا سقوط شوش در ۴۵۰ ق.م نقش پررنگی در خلیج فارس ایفا می‌کردند.

منابع

- استولپر، متیو ولفگانگ، ۱۳۸۹، *تاریخ ایلام*، ترجمه شهرام جلیلیان، تهران، توس.
- الغازه، گیلرمو، ۱۳۹۷، *میان‌رودان باستان در سپیده‌دم تمدن*، ترجمه زهره عطایی آشتیانی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- اسکالونه، انریکو، ۱۳۹۴، *باستان‌شناسی جوامع ایران باستان (در هزاره سوم پیش از میلاد)*، ترجمه سیدمنصور سیدسجادی، تهران، سمت.

- امیه، پیر، ۱۳۷۴، «گسستگی در مدارک باستانشناختی و دوگانگی قومی در عیلام»، ترجمه کامیار عبدی، مجله میراث فرهنگی، شماره ۱۹، صص ۹۸-۱۰۷.
- پاتس، دنیل، ۱۳۸۵، *باستان‌شناسی ایلام*، ترجمه زهرا باستی، تهران، سمت.
- _____، ۱۳۹۳، «باستان‌شناسی و تاریخ اولیه خلیج فارس»، *تاریخ خلیج فارس*، ویرایش لارنس جی پاتر، ترجمه محمد آقاجری، تهران، ققنوس، صص ۵۱-۹۳.
- پزار، موریس، ۱۳۸۴، *مأموریت در بندر بوشهر*، ترجمه سیدضیاء مصلح، با توضیحات و تعلیقات غلامحسین نظامی، بوشهر، شروع.
- پیتمن، هالی، ۱۳۸۴، *هنر عصر مفرغ جنوب شرق ایران، آسیای میانه غربی و دره سند*، ترجمه کوروش روستایی، تهران، پیشین پژوه.
- عبدی، کامیار، ۱۳۷۰، «دیلمون، مگن و ملوخ»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، سال ۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰، صص ۲۶-۳۷.
- علیزاده، عباس، ۱۳۸۷، *شکل‌گیری حکومت عشایری و کوهستانی عیلام باستان*، تهران، سازمان میراث فرهنگی. مایکاو، کوزایا، ۱۳۹۹، «شوش و گیرسو - لاگاش در دوره سوم اور»، *در ایران باستان، چشم‌اندازی نوین از باستان‌شناسی و مطالعات متون*، به کوشش کوزایا مایکاو، ترجمه فارسی زیر نظر پارسا دانشمند، تهران، موزه ملی ایران و دانشگاه کیوتو، صص ۵۴-۸۲.
- موری، پیر راجر استیون (۱۳۸۹) «آیا ایران به منزله الدورادوی سومریان بوده است؟»، *بین‌النهرین و ایران باستان*، سمینار یادواره ولادیمیر لوکونین، ویراسته جان کرتیس، ترجمه زهرا باستی، جلد ۱، تهران، سمت، صص ۳۸-۶۱.
- واترز، متیو، ۱۳۹۱، *پژوهشی در ایلام نو*، ترجمه نادر میرسعیدی، تهران، ققنوس.
- والا، فرانسوا، ۱۳۷۶، «خلاصه‌ای از عوامل جغرافیایی ایلام»، *در شوش و جنوب غربی ایران: تاریخ و باستان‌شناسی (سیر تکامل اجتماعی و فرهنگی از هزاره هفتم قبل از میلاد تا یورش مغول): گزارش گردهمایی بین‌المللی شوش و سمینار یلو*، زیر نظر ژان پرو و ژنویو دلفوس، ترجمه هاید اقبال، تهران، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران و مرکز نشر دانشگاهی، صص ۱۸۸-۱۹۶.
- وثوقی، محمدباقر و منصور صفت‌گل، ۱۳۹۵، *اطلس تاریخ بنادر و دریانوردی ایران*، مجلد ۱، تهران، دانشگاه تهران و سازمان بنادر و دریانوردی.
- ویلسون، سر آرنولد، ۱۳۱۰، *خلیج فارس*، ترجمه محمد سعیدی، تهران، فرهومند.
- هینتس، والتر، ۱۳۸۸، *دنیای گمشده عیلام*، ترجمه فیروز فیروزنیا. چاپ ۴، ویراست ۲، با ویرایش علمی روزبه زرین‌کوب، تهران، علمی و فرهنگی.
- یاسی، جهانگیر، ۱۳۵۰، *بررسی باستان‌شناسی خلیج فارس*، بی‌جا، وزارت فرهنگ و هنر.

- Alster, B. (1983) "Dilmun, Bahrain and the alleged Paradise in Sumerian Myth and Legend," in Potts, D. (ed.) *Dilmun; new studies in the Archaeology and early History of Bahrain*, Berlin: Dietrich Reimer Verlag, 39-74.
- Amiet, P., 1986a, "Antiquites trans-Elamites", *RA* 80, 97-104.
- , 1986b, *L'âge des échanges inter-iraniens: 3500-1700 avant J.-C.*, Paris: Réunion des Musées nationaux.
- Carter, Robert, 2012, "Sumerians and the Gulf," In Crawford H.E.W (ed.) *The Sumerian World*. London and New York: Routledge: 579-599.
- Crawford, H., 2012, "Trade in the Sumerian World", in H Crawford, (ed.) *The Sumerian world*, London and New York: Routledge, 447-461.
- Dales, George F., 1977, "Shifting Trade Patterns between the Iranian Plateau and the Indus Valley in the Third Millennium B.C", *Le Plateau et L'Asie Central des Origines a la Conquete Islamique* (Paris), 67-78.
- De Miroscheji, Pierre, 2003, "Susā and the highlands: Major Trends in the History of Elamite Civilization". In *Yeki bud, Yeki nabud: Essays on the Archaeology of Iran in Honor of William M. Sumner*, Naomi Miller and Kamyar Abdi (eds.) Los Angeles: Costen Institute of Archaeology, 25-36.
- Foster, B., 1993, "International Trade at Sargonic Susā," *Altorientalische Forschungen* 20, 59-68.
- Frahm, E., 2017, "Assyria and the Far South: The Arabian Peninsula and the Persian Gulf," in Eckart Frahm (ed.), *A Companion to Assyria*, Blackwell, 299-310.
- Frayne, D., 1993, *Sargonic and Gutian Periods*, RIME 2. Toronto.
- , 1997, *Ur 3 period*. RIME 3/2. Toronto.
- Grayson K. and J. Novotny, 2012. *The Royal inscriptions of Sennacherib, king of Assyria (704-681 BC)*, Part 1. Indiana: Eisenbrauns.
- Heimpel, W., 1987, "Das untere Meer," *Zeitschrift für Assyriologie* 77, 22-91.
- Henkelman W. and B. Jacobs, 2021, "Roads and Communication", in Bruno Jacobs and Robert Rollinger (eds.) *A Companion to the Achaemenid Persian Empire*, Blackwell: vol. II, 724-5
- Højlund, F., 1989, "Dilmun and the Sealand," *Northern Akkad project reports* 2, 9-14.
- , 1993, "The Ethnic composition of the population of Dilmun," *Proceedings of the Twenty Sixth Seminar for Arabian Studies*, 1-7.
- Högeman, P., 1984, "Der Ausbau von Elam zur seeProvinz unter Darios I und ihr zustand zur zeit Alexanders des Großen in jahren 325 und 324". In: E. Olshausen & H. Sonnabend (eds.), *Stuttgarter Kolloquium zur Historischen Geographie des Altertums* 2, 1984 und 3, 1987 (*Geographica Historica* 5), Bonn, 133-47.
- Kohl, Philip, 1975, "Carved chlorite vessels: a trade in finished commodities in the mid-third millennium", *Expedition* 18, 18-31.

- , 1978, “The balance of trade in southwestern Asia in the mid-Third millennium BC”, *Current Anthropology* 19, 463-92.
- Lamberg-Karlovsky, C. C., 1972, “Trade Mechanism in Indus-Mesopotamian Interrelations”, *JAOS* 92/2, 222-229.
- , 2012, “Iran and its Neighbors”, in Harriet Crawford, (ed.) *The Sumerian world*, London and New York: Routledge, 559-78.
- Lambert, M., 1976, “Tablette de Suse avec cachet du Golfe,” *Revue d’Assyriologie* 70, 71-72.
- Laursen, Steffen and Piotr Steinkeller, 2017, *Babylonia, the Gulf Region, and the Indus. Archaeological and Textual Evidence for Contact in the Third and Early Second Millennia B.C.*, Eisenrauns.
- Leemans, W. F., 1960, *Foreign Trade in the Old Babylonian Period*, Leiden: Brill.
- Oppenheim, A. L., 1954, “The Seafaring Merchants of Ur,” *JAOS* 14, 6-17.
- Petri, Cameron. A., Mojgan Seyedin and Alireza Askari Chaverdi, 2016, “Kaftari and Kaftari-Related Ceramics in Southwest Iran and the Persian Gulf,” *International Journal of the Society of Iranian Archaeologists* 2/3, 4-12.
- Potts, Daniel T., 2003, “Anshan, Liyan and Magan circa 2000 BCE”, In *Yeki bud, Yeki nabud: Essays on the Archaeology of Iran in Honor of William M. Sumner*, Naomi Miller and Kamyar Abdi (eds.), Los Angeles: Costen Institute of Archaeology, 156-160.
- , 2006, “Elamites and Kassites in the Persian Gulf,” *Journal of Near Eastern Studies* 65/2, 111-119.
- , 2009, Maritime Trade i. Pre-Islamic period, Encyclopaedia Iranica online. <http://www.iranicaonline.org/articles/maritime-trade-i-pre-islamic-period>
- Potts, Timothy, 1994, *Mesopotamia and East; an Archaeological and Historical study of Foreign Relations ca.3400 - 2000 B.C.*, Oxford.
- Selz, G., 1991, “‘Elam’ und ‘Sumer’ –Skizze einer Nachbarschaft nach inschriftlichen Quellen der Vorsargonischen Zeit”, *MHEOP* 1, 27-43.
- Sumner, W. N., 1989, “Anšan in the Kaftari phase: patterns of settlement and land use,” *AIO*, 135-161.
- Steinkeller, P., 1982, “the question of Marhaši. A Contribution to the Historical Geography of Iran in the Third Millennium B.C.,” *ZA* 72.2, 237-265.
- , 2013, “Trade Routes and Commercial Networks in the Persian Gulf during the Third Millennium BC”, in Gh. Karimi Doostan et al. (eds.), *Collection of papers presented to the third biennial international conference of the Persian Gulf (History, Culture and Civilization)*, Tehran: University of Tehran press, 413-33.
- Vallat, François, 1983, “le dieu Enzak; une divinité Dilmunité Venerée à Suse,” in Potts, D. (ed.) *Dilmun; new studies in the Archaeology and early History of Bahrain*, Berlin: Dietrich Reimer Verlag, 93-100.

- Verderame, Lorenzo, 2020, "The sea in Sumerian literature", *Water History* 12, 75-91
- Zadok, Ran, 1984, *The Elmite onomasticon*. Supplemento n.40 agli ANNALI 44/3, Napoli.
- , 1987, "Peoples from the Iranian plateau in Babylonia during the second millennium BC," *Iran* 25, 1-26